



سرشناسه: محدثی، جواد، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور: مرگ و برزخ / نویسنده جواد محدثی؛
[به سفارش] معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.
مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.
شابک: 978-600-6543-26-0
وضعیت فهرست نویسی: فیفا
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع: مرگ -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع: برزخ
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
رده بندی کنگره: BP۲۲۲/۱۳۹۱۳۲۴م۴
رده بندی دیویی: ۴۴/۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۸۲۳۶۲



۸۸ → مرگ و برزخ

نویسنده: جواد محدثی
آستان قدس رضوی
چاپ سوم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
نشانی: حرم مطهر امام‌رضا(ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی و اطلاع‌رسانی
تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به‌کوشش محمدحسین پورامینی
ویراستار: حسین حبیبی
طراح جلد: علی بیات
طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی



﴿ رسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



مَعْرِفَةُ



مرگ و برزخ

پاسخ پرسش‌های زیر را می‌توانید در این نوشته بیابید:

۱. حقیقت مرگ چیست؟
۲. مرگ برای انسان خوب و بد چگونه است؟
۳. عذاب‌های قبر چیست؟
۴. برزخ به چه معناست؟
۵. ارواح در عالم برزخ چه وضعی دارند؟
۶. آیا ارواح در عالم برزخ با این دنیا ارتباط دارند؟



درآمد

روشن‌ترین حقیقتی که پیش روی انسان قرار دارد «مرگ» است. خداوند به ما نعمت «جان» را بخشیده که حیات آدمی بسته به آن است. روحی که در پیکر ماست، روزی از بدن جدا خواهد شد و «حیات دنیوی» به پایان می‌رسد. اما این روح به کجا می‌رود؟ مرگ چیست؟ پس از مرگ چه می‌شویم؟ حیات ما پس از مرگ چگونه است؟ انسان‌های نیک و بد، و مؤمن و کافر، پس از مرگ و در عالم «برزخ» چه وضعی دارند؟ حیات برزخی چیست؟ میان مرگ تا برپایی قیامت چه قدر طول خواهد کشید؟ اینها سؤالاتی است که همواره ذهن ما را مشغول می‌کند.

برخی از مرگ و عالم برزخ و قیامت غافلند و همین غفلت، آنان را به گناه و فساد و نافرمانی و هوس‌رانی می‌کشاند. اما بعضی پیوسته به یاد مرگند و این یاد، خواب راحت از



چشمانشان می‌رباید و هول و هراس مراحل پس از مرگ و وحشت قبر و سختی‌های عالم برزخ، آنان را به فکر وامی‌دارد و همین تفکر و نگرانی و بیم از عاقبت کار، سبب می‌شود که از غفلت به درآیند و به کارهای نیک بپردازند و از گناه بپرهیزند.

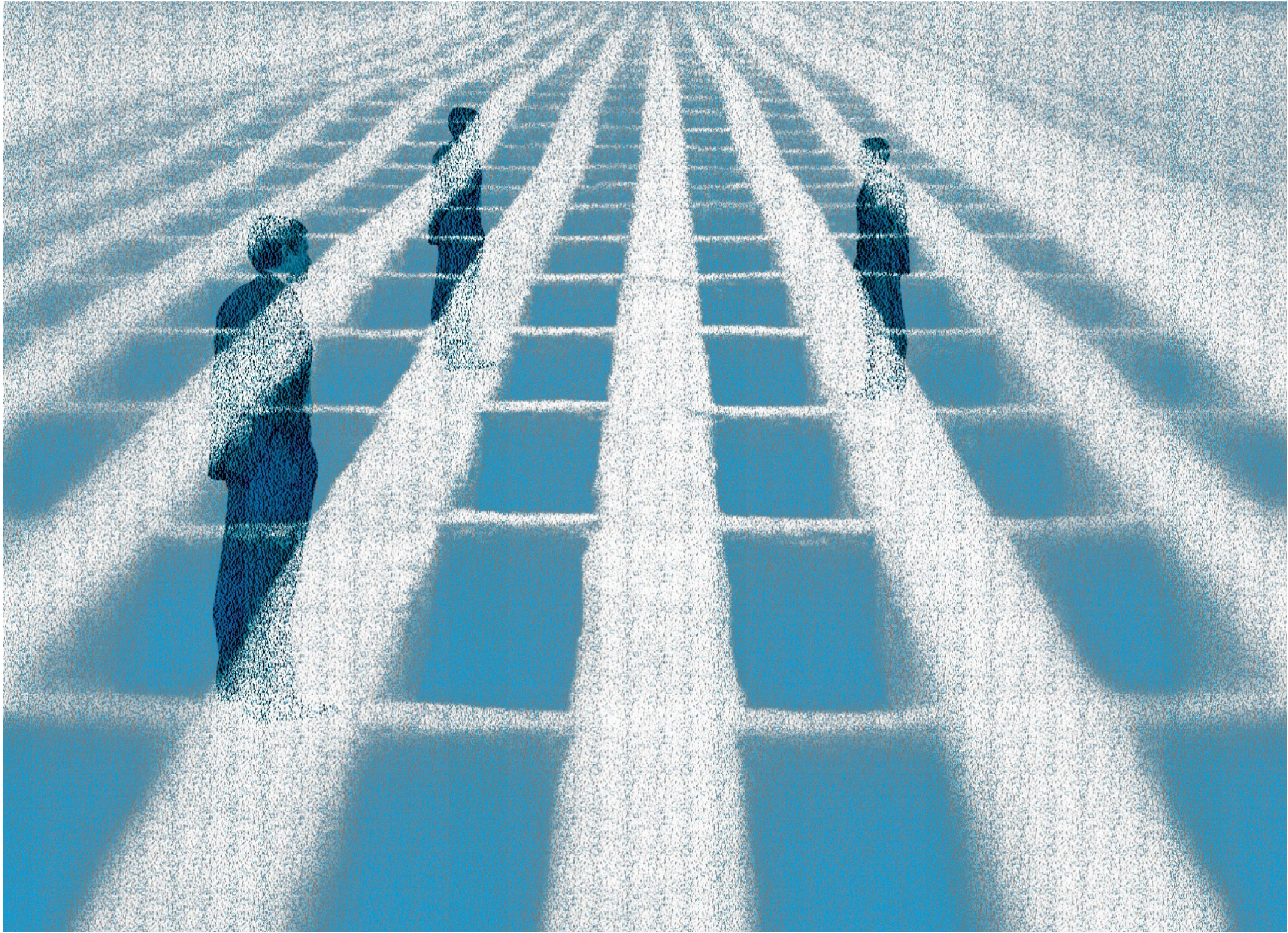
مرگ پایان ما نیست. مرگ، گذرگاه ما از «دنیا» به برزخ و آخرت است. فلسفه خلقت انسان بسیار بزرگ‌تر و مهم‌تر از آن است که چند صبحی در این دنیای خاکی، در لذت و شادی، یا غم و رنج به سر ببرد و با مرگ، برای همیشه نابود شود. دنیا برای انسان یک مرحله گذار است. سرای ابدی و قرارگاه اصلی در آخرت است. خوشا آنان که از این «گذرگاه»، برای آن «قرارگاه» توشه بردارند و در دنیا، خانه آخرتشان را آباد سازند.

مرگ، مهم‌ترین حادثه زندگی انسان است. با مرگ، طومار زندگی برچیده و فرصت عمل از انسان گرفته می‌شود. پاداش نیکی‌ها و کیفر بدی‌ها را از همان لحظه مرگ و هنگام جان دادن می‌چشیم. سختی شب اول قبر و مدت نامعلوم «برزخ» تا زمان برپایی قیامت و مرحله



حساب و کتاب و پاداش و کیفر آخرت، پیش روی انسان است. در اهمیت مرگ و عوالم پس از آن، همین بس که آیات بسیاری در قرآن و روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام درباره آن وارد شده است تا ما را بیدار و هشیار کنند و برای ورود به این مرحله از حیات خویش، غافلگیر نشویم و چنان نباشد که: «ناگهان بانگی برآمد: خواجه مُرد!». در این نوشتار کوتاه، دانستنی‌ها و نکاتی بر اساس آیات و روایات درباره مرگ و برزخ بیان شده است. باشد که ذکر و یاد مرگ و قبر و برزخ و قیامت، انگیزه ما را در بندگی خدا و دوری از دام‌های شیطان تقویت کند و از «اهل ذکر» باشیم.

فصل اول: مرگ





۱.۲. آمادگی برای مرگ

هیچ چیز برای انسان، بدتر از «غافلگیر شدن» در برابر مرگ نیست. رشته زندگی، آرزوها و برنامه‌ها، همه با سر رسیدن «مرگ» از هم می‌گسلد؛ پس چه بهتر که انسان مانند مسافری که سفری در پیش دارد و همه کارهایش را مرتب می‌کند تا به سفر برود، برای «سفر آخرت» هم که سفری ابدی و بی‌بازگشت است، آمادگی‌های لازم را داشته باشد و ره‌توشه بردارد و دست خالی به این سفر نرود.

گرگ اجل یکایک از این گله می‌برد

این گله را ببین که چه آسوده می‌چرد

در توصیه‌های پیشوایان دین، به آماده بودن برای مرگ بسیار تأکید شده است. رسول

خدا ﷺ به طارق بن عبدالله فرمود:



«إِسْتَعِدَّ لِلْمَوْتِ قَبْلَ نَزُولِ الْمَوْتِ»^۱ (= ای طارق! پیش از آن که مرگ فرا رسد، آماده مرگ باش).
در سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام نیز آمده است:

«آماده مرگ باشید؛ چون بر سرتان سایه افکن شده است. همچون قومی باشید که بر سرشان فریاد کشیده‌اند و به هوش آمده و دانسته‌اند که دنیا جایگاه اصلی آنان نیست و به فکر آخرت افتاده‌اند»^۲.

از امام علی علیه السلام پرسیدند: معنای آمادگی برای مرگ چیست؟ فرمود: «آن است که انسان واجبات را انجام دهد؛ از حرام‌ها بپرهیزد و خود را به مکارم اخلاقی بیاراید. سپس برایش مهم نباشد که او بر مرگ فرود آید، یا مرگ بر او»^۳.

۱. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، حدیث ۱۹۱۶۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۶۴.

۳. شیخ صدوق، امالی، ص ۹۷.



امام سجاده علیه السلام در پاسخ به همین پرسش فرمودند: «از خانه‌ها و بناها و قصرهایش فراغت یافته باشد»؛ گفتند: چگونه؟ فرمود: «به این که از گناهانش توبه کرده باشد و مشغول به انجام کارهای نیک باشد و بر خدای کریم وارد شود».^۱

البته کسانی که عمری در گناه و غفلت به سر برده‌اند و پرونده‌ای سیاه دارند، نه تنها آماده مرگ نیستند، بلکه از آن وحشت دارند. آنچه این آمادگی را فراهم می‌آورد، ترک گناهان و جبران اشتباهات و ذخیره اعمال صالح است، که اینها ره‌توشه انسان در مسیر طولانی پس از مرگ است. باید حساب را صاف و روشن و بار گناهان را سبک کرد.

۲.۱. اجل و حتمیت مرگ

هر کس در این دنیا عمری معین دارد و روزی فرصت زندگی او به پایان می‌رسد. «أَجَلٌ»

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۶۷.



آن سرآمد و وقت معینی است که برای هر انسانی مقدر شده است. مرگ و میرها یا به صورت عادی و طبیعی است، یا در پی حوادث و جنگ‌ها و ... ولی به هر حال، هر کس روزی باید از این خانه موقت که نامش «دنیا»ست برود.

وقتی اجل کسی فرا می‌رسد، در هر جا و هر حال که باشد، می‌میرد و از چنگ مرگ نمی‌توان گریخت. گاهی کسانی از پرخطرترین بیماری‌ها و حادثه‌ها و صحنه‌ها جان سالم به در می‌برند و گاهی نیز بسیار طبیعی و راحت عمرشان به پایان می‌رسد. اجل تعیین شده از سوی خدا که در قرآن بارها از آن به «اجل مسمی» یاد شده، هر وقت فرا برسد، چیزی جلودار آن نیست و هر کس و هر گروهی و امتی، اجلی دارد که وقتی فرا رسد، نه لحظه‌ای زودتر می‌شود و نه لحظه‌ای به تأخیر می‌افتد.^۱

۱. از جمله این آیات: انعام: ۲، اعراف: ۳۴، یونس: ۴۹، ابراهیم: ۱۰، نوح: ۴.



البته بعضی از کارها (مثل صله رحم، نماز شب و...) عمر انسان را طولانی می‌کند و برخی اعمال بد، عمر را کوتاه و اجل را نزدیک می‌سازد؛ لیکن در علم الهی، مدت زمانی که هر کس در این دنیا به سر خواهد برد، معلوم است.

مرگ، حتمی‌ترین واقعه در زندگی هر انسانی است؛ اما شگفتا که از این «حتمی‌ترین» بیش از هر چیز دیگر غفلت می‌شود و همه خیال می‌کنند که مرگ هست، ولی نه برای آنان! گمان باطل «زندگی جاویدان در دنیا»، ناشی از غفلت انسان است. قرآن کریم در توجه دادن به حتمیت مرگ می‌فرماید:

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾؛^۱ (= هر کس، چشنده مرگ است).

و در آیه دیگر، به گریزناپذیری از مرگ اشاره دارد:

۱. آل عمران، آیه ۱۸۵.



﴿إِنَّمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ﴾؛^۱ (=هرجا باشید، مرگ شما را درمی‌یابد؛ هرچند در برج‌ها و کاخ‌های استوار باشید).

پدر و مادر و فرزند و عزیزان رفتند وه چه ما غافل و مستیم و چه کوتاه‌نظریم
دم به دم می‌گذرند از نظر ما یاران این قدر دیده نداریم که بر خود نگریم^۱
حضرت امیر علیه السلام از این «فردای حتمی» که برای هیچ کس استثنا قائل نیست، چنین با
شگفتی یاد می‌کند:

«عَجِبْتُ لِمَنْ نَسِيَ الْمَوْتَ وَهُوَ يَرَى الْمَوْتَ»؛^۲ (=در شگفتم از کسی که مرگ را فراموش می‌کند،
در حالی که مردگان را می‌بیند!).

در مثل‌های فارسی نیز گفته می‌شود: «این شتری است که بر در هر خانه‌ای می‌خوابد.»

۱. نساء، آیه ۷۸.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۷۴.



کیست که عمر ابدی داشته باشد؟ و چه کسی تضمین گرفته که زندگی طولانی داشته باشد؟ ما که در مجالس یادبود مرگ دیگران شرکت می‌کنیم، روزی هم دیگران به سوگ ما خواهند نشست.

۳.۱. یاد مرگ

یاد مرگ، به زبان و حرف نیست؛ بلکه این آینده حتمی همیشه باید در ذهن انسان حاضر باشد و فرجام نیکوکاران و گنه‌کاران را در نظر آورد و مرگ را جدا شدن از همه دارایی‌ها و دلبستگی‌های دنیوی دانست و به آن دل نبست و شیرینی‌های زندگی، انسان را از سختی‌های مرگ و پس از مرگ غافل نسازد. بسیاری از شادی‌ها و جشن‌ها و شادکامی‌ها، با یک مرگ به هم می‌ریزد و بساط عیش و نوش افراد به هم می‌خورد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «به یادآور لحظه‌ای را که در پیش دیده بستگانت، به بستر مرگ افتاده‌ای؛ نه طبیبی می‌تواند تو را از مرگ نجات دهد، و نه دوستی و هواداری می‌تواند مرگ را از تو دور کند و



به کارَت آید.^۱

از رسول خدا ﷺ نیز روایت شده است که فرمود:

«اَكْثَرُوا ذِكْرَ هَادِمِ اللَّذَاتِ»؛^۲ (= بسیار یاد کنید از چیزی که لذت‌ها را در هم می‌ریزد).

کسی که پیوسته به یاد مرگ و کوچ از این جهان باشد، نه دل به این دنیا می‌بندد، نه افزون‌خواه و حریص می‌شود، نه از تحمل سختی‌ها و رنج‌ها به ستوه می‌آید، نه سراغ گناه و ظلم می‌رود و نه عمر خویش را به بطالت می‌گذراند.

دل ای رفیق، در این کاروانسرای مبند که خانه ساختن، آیین کاروانی نیست
اولیای دین، همواره به یاد مرگ بوده و بر سختی‌های مراحل پس از مرگ، بیمناک بودند
و اشک می‌ریختند. ناله‌های جان‌سوز امام سجاد علیه السلام در «دعای ابو حمزه ثمالی» در سحرهای ماه

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۰: «أَذْكَرَ مَصْرَعَك بَيْنَ يَدَي أَهْلِكَ وَ لَا طَيْبَ يَنْفَعُكَ وَ لَا حَبِيبَ يَنْفَعُكَ».

۲. میزان الحکمه، حدیث ۱۹۱۵۲ و ۱۹۱۵۶.



مبارک رمضان مشهور است: «أبکی لخروج نفسی، أبکی لِظلمة قبری...» این یاد سازنده است؛ بازدارنده از معصیت، بیدارکننده از خواب غفلت و برانگیزاننده برای طاعت و بندگی است.

۴.۱. مرگ چیست؟

اما به راستی حقیقت مرگ چیست؟ با مرگ، چه دگرگونی در وجود ما پدید می آید و چه چیزی از پیکرمان جدا می شود که این بدن از کار می افتد، به تدریج می پوسد و به خاک تبدیل می گردد؟

مرگ نیز از آفریده های خداوند و از جلوه های قدرت اوست. قرآن کریم می فرماید:

﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ﴾؛^۱ (=آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید، و او شکست ناپذیر و

۱. ملک، آیه ۲.



بخشنده است).

انسان تا زنده است، درک و شعور و اراده دارد. با مرگ، که همان جدا شدن روح از بدن است، درک و شعور و اراده از این پیکر گرفته می‌شود. عامل حیات هم که از بین رفت، جسد از کار می‌افتد و می‌پوسد.

اما روح چیست؟ روح حقیقتی ناشناخته است. قرآن به پیامبر ﷺ می‌فرماید: به آنان که از تو درباره روح می‌پرسند بگو «روح از امر پروردگار من است و شما از علم، جز بهره اندکی ندارید.»^۱ یعنی حقیقتی است که به امر و فرمان الهی است و درک انسان به جوهره آن نمی‌رسد. لیکن، آن‌چه به روشنی می‌بینیم و درمی‌یابیم، این است که در وجود انسان، عاملی وجود دارد که همه فعالیت‌های بدنی و مغزی و ادراکی و احساسی بشر به آن وابسته

۱. اسراء، آیه ۸۵.



است و چون از بدن جدا شود (که همان مرگ باشد)، همه این فعالیت‌ها از کار می‌افتد؛ مثل کارخانه‌ای عظیم که به محض قطع شدن برق، دستگاه‌ها خاموش می‌شود و دوباره با جریان برق، به کار می‌افتد. نوعی پیوند خاص و ناشناخته نیز بین روح و خون به نظر می‌رسد. خون، این ماده حیاتی وقتی از رگ‌ها خارج شود، جان هم خارج می‌شود؛ از این رو خون‌ریزی‌های شدید، سبب مرگ افراد می‌گردد و در متون فقهی به خون، «نفس سائل» هم گفته شده؛ یعنی «روح جاری».

خداوند، «جان» را که نعمتی بزرگ از سوی اوست، به انسان می‌بخشد. جنین در شکم مادر، پس از طی مراحل، جان می‌یابد و در آن روح دمیده می‌شود و به صورت موجودی زنده به دنیا می‌آید و در همه عمر، این موهبت الهی همراه اوست و با مرگ، جان به خدای جان‌آفرین تسلیم می‌شود. به تعبیر قرآن کریم:



﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾^۱ (=خداوند هنگام مرگ افراد، جان‌ها را می‌گیرد).

در این آیه، گرفتن جان به خدا نسبت داده شده است، اما در آیاتی دیگر، قبض روح و گرفتن جان‌ها به عزرائیل یا ملک الموت نسبت داده شده که از فرشتگان مقرب الهی است و مأموریت او ستاندن جان انسان‌ها هنگام مرگ است:

﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾^۲ (=بگو فرشته مرگی که بر شما گماشته

شده، جان شما را می‌گیرد؛ سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید).

البته منافاتی بین این دو نیست. عزرائیل هم از جانب خدا و به فرمان او جان‌ها را می‌گیرد و کار او، در طول اجرای امر خداست، نه در عرض آن. پس می‌توان قبض روح و ستاندن جان را هم به خدا نسبت داد، هم به فرشته مخصوص.

۱. زمر، آیه ۳۹.

۲. سجده، آیه ۳۹.

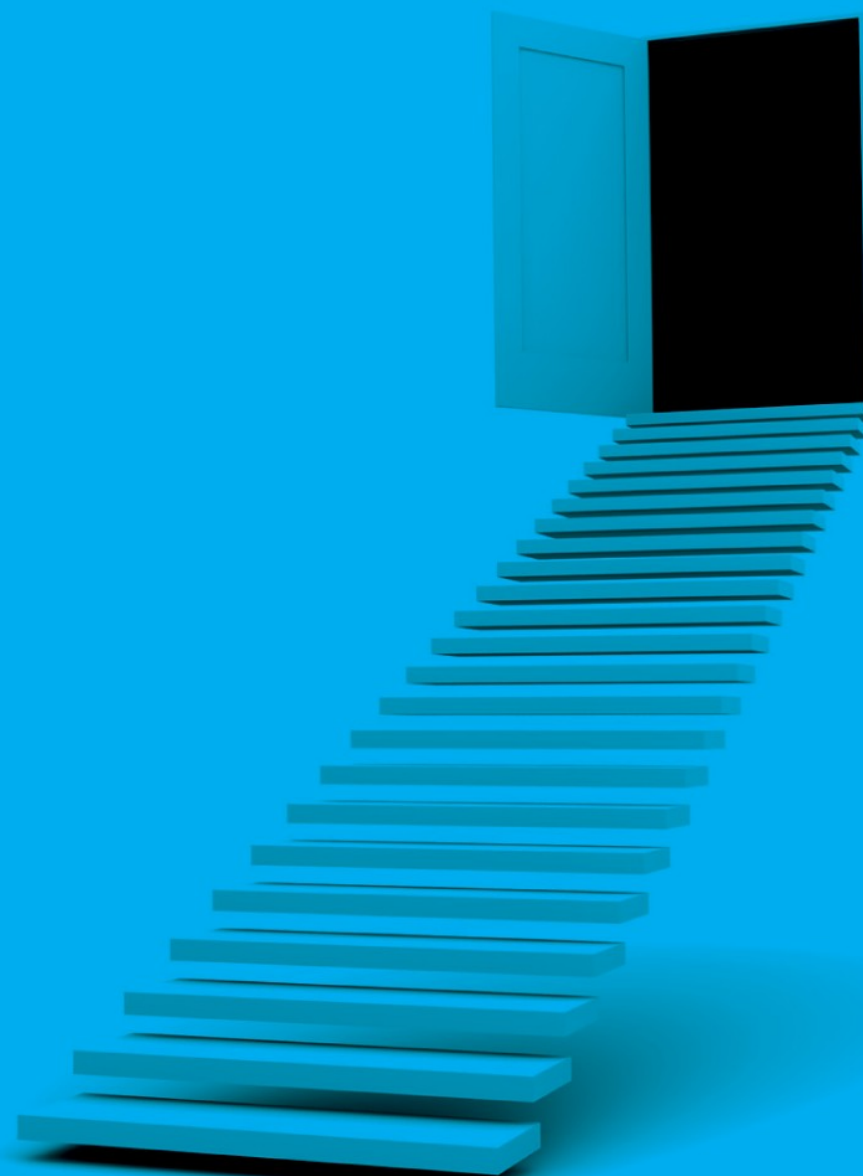
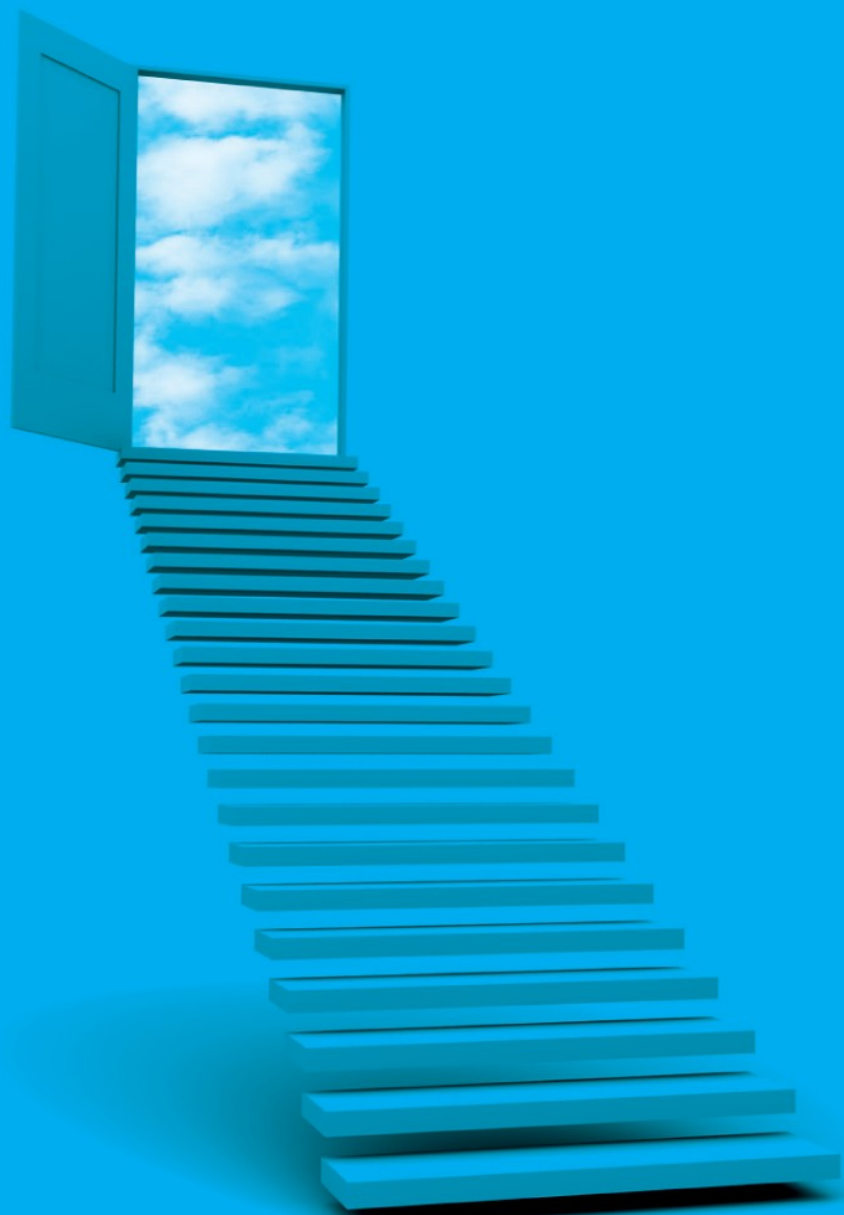


۵.۱. احتضار، یا لحظه جان دادن

غیر از کسانی که در حوادث سخت، ناگهان و در یک لحظه می‌میرند، اغلب افراد لحظاتی را تجربه می‌کنند که واپسین نفس‌ها را می‌کشند و به تدریج روح از بدن خارج می‌شود. لحظه جان دادن را حالتِ «احتضار» و کسی را که در حال جان دادن است «مُحتَضِر» گویند و گاهی این حالت طول می‌کشد.

برای اهل ایمان، جان دادن، حال خوشایندی است. از تنگنای تن و دنیا رها می‌گردند و به وسعت ابدیت متصل می‌شوند. هنگام مرگ، فرشتگان الهی به آنان تحیت و سلام می‌دهند و به نعمت‌های الهی و بهشت جاویدان بشارتشان می‌دهند. اما کافران و گناه‌کاران، سخت جان می‌دهند و صحنه‌های هولناکی در نظرشان پدید می‌آید و مرگشان، آغاز ورود به مرحله سختی و عذاب‌ها و فشارهاست. از این‌رو مرگ برای آنان ناخوشایند است.

در روایات، برای لحظه مرگ مؤمنان و فاسقان، تشبیهاتی بیان شده است. رسول خدا ﷺ





فرمود: «شیعیانی که محبتشان به ما بیشتر باشد، لحظه مرگشان مثل آن است که کسی در تابستانی گرم، جرعه‌ای آب خنک بنوشد.»^۱ در بعضی روایات، لحظات جان دادن مؤمن، لذت‌بخش توصیف شده است؛ مثل بوییدن گل. در حدیث معراج حضرت رسول ﷺ هم آمده است: «هنگام مرگ مؤمن، فرشتگان بالای سر او می‌ایستند و جام‌هایی از کوثر و شراب بهشتی در دست دارند تا او جان دهد و او را بشارت می‌دهند به بهشت و رضای پروردگار».^۲ اما کافران و فاسقان، با مرگی ناخوشایند و دردناک روبه‌رو می‌شوند و به سختی جان می‌دهند و به تعبیر قرآن، فرشتگان بر صورت‌ها و پشت‌های آنان می‌زنند.^۳ از این رو در دعاها آمده است که از خداوند بخواهید «سکرات مرگ» و لحظه جان دادن را بر شما آسان

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۶۲.

۲. همان، ج ۷۴، ص ۲۷.

۳. محمد، آیه ۲۷.



کند. اهل بیت علیهم السلام و امیر مؤمنان علیه السلام هنگام مرگ مؤمن، بر بالین او حاضر می‌شوند و به او مژده می‌دهند. به تعبیر امام علی علیه السلام هر مؤمن پرهیزگاری که بمیرد، هنگام مرگ، مرا می‌بیند. شاعران نیز به این موهبت و لحظات خوش اشاره دارند که گفته‌اند:

ای که گفתי «فَمَنْ يَمُتْ يَرَنِي» جان فدای کلام دل جویت

«سکرات موت» همان حالت‌های سخت و از خود بی‌خود شدنی است که در حال احتضار به انسان دست می‌دهد. امام علی علیه السلام در ترسیم آن لحظات می‌فرماید:

«دنیاپرستان... رنگ می‌بازند و آرام آرام، مرگ در آنان نفوذ می‌کند و همه اندام را می‌گیرد؛ زبان از سخن باز می‌ماند؛ میان بستگان در بستر می‌افتد... کم‌کم زبان و گوشش از کار می‌افتد، ولی نگاهش به چهره اطرافیان است؛ می‌بیند و می‌شنود که حرف‌هایی می‌زنند، ولی نمی‌فهمد چه می‌گویند؛ اندک اندک چشمش هم از کار می‌افتد؛ روح از بدنش جدا می‌شود و پیکرش به صورت لاشه‌ای در بین خانواده می‌ماند. اطرافیان کم‌کم از بودن در



کنارش وحشت می کنند و از او دور می شوند. دیگر نه گریه کننده ای را تسلی می دهد و نه صدا کننده ای را پاسخ می دهد. سپس او را به گورستان می برند و به خاک می سپارند و او را با عمل هایش تنها می گذارند و باز می گردند»^۱.

از آداب حالت احتضار آن است که شخص را در آن حالت، رو به قبله بخوابانند؛ به گونه ای که کف پاهایش به سوی قبله باشد؛ روی او را سبک کنند؛ دکمه هایش را باز کنند؛ شهادتین و مسائل اعتقادی را در آن هنگام برایش بازگو کنند و ذکرها و دعاهایی را به او تلقین کنند و آداب دیگری که در کتاب های فقهی آمده است.^۲

۶.۱. کفن و دفن مرده

-
۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۰: «اجتمعت علیهم سكرة الموت و حسرة الفوت...».
 ۲. به توضیح المسائل (احکام محتضر) مراجعه شود.



مسلمانی که از دنیا می‌رود، باید با جنازه او محترمانه رفتار شود و آن را به خاک بسپارند. از احکام شرعی پس از مرگ، آن است که مرده را غسل می‌دهند؛ در سه پارچه سفید کفن می‌کنند؛ بر او نماز میت می‌خوانند؛ بدن را تا گورستان تشییع می‌کنند و با آداب خاصی دفن می‌کنند. حضرت رضا علیه السلام می‌فرماید:

«از این جهت واجب است مرده را به خاک بسپارند، تا زشت شدن چهره و فاسد و متلاشی شدن بدن و بو گرفتن جسد بر دیگران آشکار نشود و مردم از بوی او یا آفات دیگر، آسیب نبینند و اذیت نشوند. از چشم دوستان و دشمنان پوشیده باشد، تا نه دشمنانش شماتت و بدگویی کنند، نه دوستانش اندوهگین شوند».^۱

کفن و دفن یک مسلمان از واجبات کفایی به شمار می‌رود. از این رو یاد گرفتن احکام

۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۸۱۹.



آن نیز لازم است. بهتر است در دفن مرده، شتاب کنند و بی سبب به تأخیر نیندازند و پس از دفن، بر سر قبر او دعا و قرآن تلاوت کنند و برای شادی روحش احسان بدهند و کارهای نیک دیگر انجام دهند. مدفن اموات و گورستان‌ها، مایه عبرت است. سرانجام همه، آن جا خواهد بود. شعری که پروین اعتصامی برای سنگ قبر خویش سروده، چنین آغاز می‌شود:

این که خاک سیهش بالین است اختر چرخ ادب، پروین است
در اسلام بر تشیع جنازه مؤمن تأکید فراوان شده است و نوعی تکریم او شمرده می‌شود. به احترام مسلمانی که از دنیا می‌رود، مؤمنان پیکر او را همراهی و تشیع می‌کنند تا لحظه‌ای که به خاک سپرده می‌شود و تشیع کنندگان به خانه‌های خود بازمی‌گردند.
تشیع جنازه، هم برای فرد درگذشته سودمند است و از دعا و آمرزش خواهی تشیع کنندگان و نمازی که بر بدن او می‌خوانند بهره‌مند می‌شود، و هم برای تشیع کنندگان ثواب و آمرزش و رحمت الهی در پی دارد و مایه پند و عبرت است. خوب است که بستگان



متوفا، مرگ او را به دیگران اطلاع دهند تا در تشییع جنازه‌اش شرکت کنند و این آیین اسلامی، هرچه باشکوه‌تر برگزار شود که مایه تسلی بازماندگان است.

ادب تشییع جنازه آن است که انسان، با آرامش و وقار حرکت کند؛ ذکر بگوید؛ چهره غمگین داشته باشد؛ بیشتر اندیشه کند و کمتر حرف بزند و در مسیر تشییع نخندد. امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی در تشییع جنازه‌ای شرکت کردی، خیال کن این تویی که بر تابوت حمل می‌شوی، و گویا از خدایت خواسته‌ای که به دنیا باز گردی و خواسته‌ات پذیرفته شده است؛ پس به کار نیک پرداز و در اعمال بازنگری کن.^۱

امیر مؤمنان علیه السلام در تشییع جنازه‌ای شرکت داشت. شنید که کسی می‌خندد؛ بر او اعتراض کرده، فرمود:

۱. میزان الحکمه، حدیث ۱۹۲۸۴.



«مردگانی که در گوری می‌آرامند و ما میراث خود و آنان می‌شویم، گویا ما پس از آنان جاودانه‌ایم! چرا هر مایه وعظ و پند را فراموش می‌کنیم؟!^۱

چند باشی به این و آن نگران	پند گیر از گذشتن دگران
واعظت، مرگ همنشینان بس	اوستادت فراق اینان بس
داغ فرزند و هجر همسالان	همه دیدی، نمی‌شوی نالان؟ ^۲

۷.۱. شب اول قبر

پس از دفن میت در گور، بستگان و دوستان و آشنایان باز می‌گردند و او زیر انبوهی از خاک، همراه اعمالش تنها باقی می‌ماند. «شب اول قبر» شب تنهایی و وحشت، شب سؤال و جواب، شب دوری از بستگان، شب کوتاه شدن دست از دنیا و هرچه در آن است. پیامبر

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۲۲.



خدا ﷻ فرمود:

«إِنَّ الْقَبْرَ أَوَّلُ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ...»؛^۱ (= قبر، نخستین منزلگاه آخرت است).

از مهم‌ترین مراحل مربوط به قبر، سؤالات شب اول است. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «وقتی تشییع کنندگان و مصیبت‌دیدگان بازگشتند، مرده را در قبر می‌نشانند و مورد سؤال قرار می‌دهند.»^۲ در تلقین میت نیز گفته می‌شود: «بدان که سؤال نکیر و منکر در قبر، حق است.» نکیر و منکر، نام دو فرشته‌ای است که در قبر حاضر می‌شوند و از مرده سؤال می‌کنند. سؤالات قبر درباره خدا و پیامبر و دین و قبله و ائمه و کتاب آسمانی و... است. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«تصور کن که شب اول قبر است و تو را در این خانه جدید، تنها گذاشته‌اند. دو فرشته نکیر

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۴۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۸۳.



و منکر سراغت آمده‌اند تا از تو سؤال کنند. اولین چیزی که از تو می‌پرسند، پروردگاری است که او را می‌پرستیدی و از پیامبری که به سوی تو فرستاده شده و از دینی که به آن اعتقاد داشتی و از کتاب و قرآنی که آن را می‌خواندی و از امامی که ولایت او را داشتی. سپس از عمر تو می‌پرسند که در چه راهی صرف کردی و از مال و ثروت که از کجا آوردی و کجا خرج کردی. پس به هوش باش و در خویش بنگر و پیش از امتحان و سؤال، پاسخی آماده کن.^۱

شبهه این حدیث از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است. در روایتی از آن حضرت آمده است که اگر میت در پاسخ نکیر و منکر گفت که پروردگار من «الله» و پیامبرم «محمد» و دینم «اسلام» است، قبر او تا جایی که چشمش می‌بیند، وسیع می‌شود و از طعام‌های بهشتی برای او می‌آورند و شادی و روح و ریحان بر او وارد می‌شود.



در آن شب، کسی از پاسخ به این سؤالات سربلند بیرون می‌آید که در دنیا ایمان به آنها داشته باشد. کسی که در دنیا به خدا، دین، قرآن و ولایت کافر باشد و نتواند پاسخ دهد، قبرش پر از آتش خواهد شد.

در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در قبر از میت درباره پنج چیز سؤال می‌کنند: از نمازش، زکاتش، حجش، روزه‌اش و از ولایت او نسبت به ما اهل بیت»^۱.

۸.۱. عذاب قبر

مرگ برای نیکان و صالحان، موهبت و هدیه‌ای است و قبر، سرآغاز ورود به رحمت بی‌انتهای الهی است. اما برای تبه‌کاران و اهل معصیت، سرآغاز گرفتاری و عذاب است. در روایات است که قبر، یا باغ و بوستانی از بستان‌های بهشت است، یا حفره‌ای از حفره‌های

۱. میزان الحکمه، حدیث ۱۶۲۶۵.



جهنم. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «روضة من رياض الجنة، او حفرة من حفر النار».^۱

اعمال انسان در دنیا، بر وضعیت قبر او مؤثر است. کارهای نیک بنده، در این مرحله تبدیل به همنشینان و ندیمانی خوش صحبت می‌شود و گناهان و ظلم‌هایش پیوسته مایه رنج و عذاب اوست. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«ای بندگان خدا! برای کسی که آمرزیده نشود، پس از مرگ بسیار سخت‌تر از خود مرگ است. پس بترسید از تنگی و فشار و ظلمت و غربت قبر. آن تنگنای حیات که خداوند دشمنان و غافلان را از آن برحذر داشته است، همان عذاب قبر است».^۲

در برخی روایات، «فشار قبر» را یکی از عذاب‌های قبر شمرده‌اند. بعضی از گناهان موجب فشار قبر می‌شود؛ از جمله بداخلاقی و بدرفتاری با خانواده. سعد بن معاذ، یکی از مسلمانان

۱. همان، حدیث ۱۶۲۴۹.

۲. همان، حدیث ۱۶۲۷۰.



بلندمرتبه و باسابقه بود. چون درگذشت، بنابر روایات، هفتاد هزار فرشته او را تشییع کردند. پیامبر خدا ﷺ بالای قبر او ایستاد و دعا کرد. مادرش که حاضر بود، گفت: ای سعد! گوارایت باد این منزلت. پیامبر فرمود: چندان شادمان نشو؛ زیرا او در فشار قبر است. مادرش گفت: ای پیامبر! آیا برای کسی مثل سعد بن معاذ هم فشار قبر هست؟! فرمود: او در خانه با خانواده‌اش تندی و بدزبانی می‌کرد.^۱

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: روزی حضرت عیسیٰ علیهِ السلام بر قبری گذر کرد که صاحب آن در حال عذاب شدن بود. سال بعد، باز هم از آن جا می‌گذشت، اما دید که عذاب نمی‌شود. علت را از خداوند پرسید. وحی آمد: ای روح الله! او فرزندی داشت که بزرگ شد و راهی را مرمت کرد و یتیمی را پناه داد. من هم به سبب کار نیک فرزندش، از او گذشتم و آمرزیدم.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۷ و ۲۲۰.

۲. همان، ص ۲۲۰.



عالم قبر، اگر برای مقربان و صالحان، عرصه‌ای دل‌گشاست، برای کافران و ظالمان، حفره‌ای پر از عذاب است. انسان‌های عارف که همیشه بین خوف و رجا به سر می‌برند، نگران مرگ و عوالم پس از مرگند. امام سجاده علیه السلام در دعای سحر و مناجات با پروردگار عرضه می‌دارد:

«پروردگارا! چه کسی بدتر از من است، اگر قبرم را آماده خواب راحت نساخته باشم و آن را با عمل صالح، مفروش نکرده باشم؟ چرا گریه نکنم، در حالی که نمی‌دانم سرانجام من چه خواهد شد؟ چرا نگریم؟ آیا برای خروج روح از بدنم بگریم؟ آیا برای ظلمت و تنگی قبر گریه کنم؟ آیا برای سؤال نکیر و منکر اشک بریزم؟ آیا برای بیرون آمدن عریان از قبر بگریم؟...»^۱

اگر می‌خواهیم قبر برای ما بوستانی دل‌گشا و قصری آباد باشد، باید وسایل آن را در

۱. مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی: «... أَبْکِی لَضِیقِ لَحْدِی، أَبْکِی لِسُؤَالِ مَنْکَرٍ وَ نَکِیرٍ أَيْلَیَّ، أَبْکِی لَخُرُوجِی مِنْ قَبْرِی عَرِیَانًا».



همین دنیا با ایمان و اعمال صالح و طاعت و عبادات فراهم کنیم. قبری که پر از آتش می‌شود، هیزم آن از گناهان و اعمال همین دنیا است. اگر هم بوستانی شادی‌بخش است، باز هم نتیجه اعمال دنیا است.

برگ عیشی به گور خویش فرست کس نیارد ز پس، تو پیش فرست

فصل دوم: برزخ





۱.۲. عالم برزخ

«برزخ» به معنای فاصله میان دو چیز است. روح انسان، با مرگ از بدن خارج می‌شود و در قیامت دوباره به بدن بازمی‌گردد. در فاصله مرگ تا برپایی قیامت، روح به صورت مستقل وجود دارد. این مرحله را که بین دنیا و قیامت است، «عالم برزخ» گویند. در قرآن کریم هم به آن اشاره شده است.^۱ مدت عالم برزخ معلوم نیست؛ چون هیچ کس جز خداوند نمی‌داند قیامت و رستاخیز چه زمانی برپا می‌شود. در برخی روایات، برزخ را همان «قبر» معرفی کرده‌اند؛ چون قبر، قرارگاه بدن انسان در فاصله دنیا تا آخرت است.

روح انسان در این مدت، به صورت مجرد و بدون آن که در پیکری وارد شود، به حیات خویش ادامه می‌دهد و در نوعی خوشی و لذت یا رنج و عذاب به سر می‌برد، بی‌آن که

۱. ﴿وَمَنْ وَّرَاءَهُمْ بَرَزَخُ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ مؤمنون، آیه ۱۰۰.



این لذت یا رنج، جنبه مادی و حسی و بدنی داشته باشد. نظیر آنچه انسان در خواب می‌بیند؛ صحنه‌هایی دردناک و وهم‌انگیز، یا صحنه‌هایی زیبا و روح‌بخش، که روح انسان در آن عوالم سیر می‌کند؛ در حالی که بدن آرمیده است. این حالت روح را که در خواب پیدا می‌شود، یا رؤیاهای صادقی که انسان می‌بیند، علما و فلاسفه دلیلی بر استقلال و تجرد روح دانسته‌اند.

درک عالم برزخ برای ما که آن مرحله را ندیده‌ایم، مشکل یا محال است، ولی در روایات، نکته‌های مفیدی درباره آن آمده است. هم در خواب و هم در مرگ، روح از بدن فاصله می‌گیرد؛ اما در خواب، ارتباط روح با بدن کاملاً قطع نمی‌شود، ولی با مرگ، ارتباط روح با بدن کاملاً قطع می‌شود و در قالبی لطیف و سبک که از آن به «قالب مثالی» تعبیر می‌شود، قرار می‌گیرد و به تناسب ایمان و طاعت، یا کفر و معصیت، با انواع لذت‌ها یا انواع عذاب‌ها روبه‌رو می‌شود و نوع خاصی از زندگی را می‌گذراند که به آن زندگی برزخی یا «حیات برزخی» گویند. یکی از دانشمندان دینی درباره زندگی برزخی چنین می‌نویسد:



«بدن برزخی و عذاب و نعمت‌های آن را می‌توان به گونه‌ای لذت یا نعمت‌های هنگام خواب تشبیه کرد. انسان در عالم رؤیا واقعاً کارهای شگفت‌انگیزی انجام می‌دهد؛ راه می‌رود، سخن می‌گوید، می‌اندیشد، و این کارها در ظرف رؤیا برای خود حقیقتی دارند. چه بسا حالات انسان در خواب، بر بدن عنصری نیز اثر می‌گذارد. حالا اگر چنین زندگی رؤیایی، واقعیت بیشتر و حقیقتی روشن‌تر بیابد، باید نام آن را «زندگی برزخی» نهاد. در آن جا ماده و عنصر، یا مولکول و اتم وجود ندارد؛ ولی صورت تمام موجودات جهان بی آن که ماده و وزنی در کار باشد، موجود است. از این رو دانشمندان می‌گویند: در جهان برزخ، آثار ماده مانند گرمی و سردی، شیرینی و تلخی، شادی و غم هست، هرچند خود ماده وجود ندارد. در آن جا خوردن و آشامیدن، سماع و استماع و رؤیت و دیدن وجود دارد؛ اگرچه از ماده‌ای که زندگی ما وابسته به آن است، خبری نیست. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در جنگ بدر دستور داد که کشته‌های قریش را در چاهی بریزند. سپس بر سر چاه ایستاد و به آنان خطاب کرد و



فرمود: آیا آنچه را خدای شما وعده کرد حقیقت داشت؟ مسلمانان گفتند: آنان مردگانند؛ چگونه با آنان سخن می‌گویید؟! پیامبر فرمود: شما از آنان شنواتر نیستید. آنان می‌شنوند، ولی اجازه سخن گفتن ندارند»^۱.

بنا بر وجود همین حیات برزخی، خداوند، شهدا را زنده معرفی می‌کند که نزد پروردگارشان روزی می‌خورند و از آن چه خداوند به آنان عطا کرده، خوشحالند و به کسانی که هنوز به آنان ملحق نشده‌اند، بشارت می‌دهند.^۲ خداوند می‌فرماید: به شهیدان، مرده نگویید؛ بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما درک نمی‌کنید.

۲.۲. سرنوشت ارواح

در ترسیم مفهوم «عالم برزخ» اشاره شد که روح انسان که مجرد است، در مرحله پس از

۱. جعفر سبحانی، عقاید اسلامی، ص ۵۷۹ (به نقل از سیره ابن هشام، ج ۲).

۲. بقره: آیه ۱۵۴، آل عمران: آیه ۱۶۹ و ۱۷۰ ﴿أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾.



مرگ، حیات ویژه‌ای دارد که به آن «حیات برزخی» گویند. ارواح، از آن جا که از زندان بدن آزادند، فعال‌ترند و محدودیت‌های این دنیا را ندارند. به این سو و آن سو می‌روند و از آن چه در دنیا و در میان خانواده و دوستانشان می‌گذرد، آگاهند. روح انسان‌های بالیمان در آن دنیا با هم مأنوسند. کسی که تازه از دنیا می‌رود، ارواح گرد او جمع می‌شوند و از اوضاع و احوال بازماندگان در دنیا می‌پرسند. در روایات است که روح مؤمنان در یک وادی خاص به نام «وادی السلام» به سر می‌برند و روح کفار و بدکاران در «برّهوت». در برخی روایات آمده است که وادی السلام، منطقه‌ای در پشت نجف اشرف است.^۱

ابراهیم بن اسحاق از امام صادق علیه السلام پرسید: ارواح مؤمنین کجایند؟ حضرت فرمودند: «ارواح مؤمنین در حجره‌های بهشتی‌اند؛ از غذای بهشتی می‌خورند؛ از شراب بهشتی می‌نوشند؛

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۴۲.



با یکدیگر در آن جا ملاقات می کنند و به دیدار هم می روند.» ابن اسحاق پرسید: روح کفار به کجا می رود؟ امام فرمودند: «در حجره های جهنمی است و از غذاهای جهنمی می خورند و می آشامند. مؤمنان آرزو می کنند کاش قیامت زودتر برپا شود تا وعده های خوب الهی را زودتر ببینند؛ اما کافران آرزو می کنند که قیامت بر پا نشود، تا آن عذاب های وعده داده شده را نبینند.»^۱

۳.۲. بهره مندی در برزخ

گرچه با مرگ، رابطه انسان با دنیا قطع می شود و فرصت عمل از او گرفته می شود، ولی پیامد کارهای نیک و بد او در دنیا همراه اوست و نیکان از اعمال خوبشان بهره می برند و به گونه ای با دنیا در ارتباطند. رسول خدا ﷺ فرمود: «سه چیز همراه مرده است: خانواده اش،

۱. همان، ص ۳۳۴.



مالش و عملش. تا لب گور همه هستند، ولی دو تا از این‌ها برمی‌گردند؛ یعنی مال و فرزندان، اما عملش همراه او باقی می‌ماند»^۱.

کسانی که کار نیک و سنت شایسته‌ای برجا گذاشته‌اند، تا زمانی که دیگران از آثار کار نیکشان بهره‌مندند، پس از مرگش هم از ثواب آن بهره‌مند می‌شود. اما آنان که بدعت یا سنت غلطی را بنا نهاده‌اند، در گناه کسانی که به آن عمل می‌کنند شریکند و در برزخ عذاب می‌شوند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «شش چیز است که پس از مرگ مؤمن هم به او ملحق می‌شود: فرزندی که در حق پدر استغفار کند؛ قرآنی که باقی می‌گذارد و آن را می‌خوانند؛ درختی که می‌کارد و آیندگان از ثمره آن برخوردار می‌شوند؛ صدقه جاریه‌ای که بر جای می‌گذارد؛ چاهی که حفر می‌کند؛ سنت نیکی که پایه‌گذاری می‌کند و پس از او به آن

۱. علاءالدین علی بن حسام (متقی هندی)، کنز العمال، حدیث ۴۲۷۶۱.



عمل می شود».^۱

افزون بر این، اطاعت و بندگی و نماز و روزه شخص هم در عالم برزخ، همدم و مونس اویند و مایه آرامش و آسایش او می گردند. در روایت آمده است: «هرگاه بنده مؤمنی از دنیا می رود، شش تصویر زیبا و شمایل خوش منظر وارد قبر او می شوند که بسیار زیبا و خوش بویند و هر کدام یک طرفش می ایستد: یکی روبه رو، یکی پشت سر، یکی سمت راست، یکی سمت چپ، یکی بالای سر و یکی پایین پا. مؤمن می پرسد: شما کیستید؟ یکی از آنها می گوید: من نمازم؛ دیگری می گوید: من زکاتم؛ سومی می گوید: من روزه ام؛ چهارمی می گوید: من حج و عمره ام؛ دیگری می گوید: من آن نیکی هایی هستم که به دیگران کرده ای، و یکی هم که از همه زیباتر و خوش بوتر است، می گوید: من ولایت نسبت به آل محمدم».^۲

۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۳۴.



این روایت نشان می‌دهد که کارهای نیک انسان در دنیا، همدم او پس از مرگند و از او جدا نمی‌شوند و او را از خطرهای قبر و برزخ می‌رهانند و به نعمت‌های الهی در عالم برزخ و پس از آن در قیامت تبدیل می‌شوند. کسانی که بی‌نمازند و به واجبات دینی عمل نمی‌کنند، در برزخ از چنین همدم‌هایی محرومند. در سخنی از امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

«أَنَّ الْمَرْءَ إِذَا هَلَكَ، قَالَ النَّاسُ: مَا تَرَكَ؟ وَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: مَا قَدَّمَ؟»^۱ (=هرگاه کسی بمیرد، مردم می‌گویند، چه برای جای گذاشته است؟ و فرشتگان می‌پرسند: چه پیش فرستاده است؟).

کسی که در دنیا برای آخرت و پس از مرگش ره‌توشه تقوا و عمل صالح بفرستد، رفاه و برخورداری خویش را برای پس از مرگ فراهم کرده است. پس رفاه و سعادت در برزخ، تنها در سایه تقوا و طاعت در دنیا به دست می‌آید.





۴.۲. چند نکته درباره عالم برزخ

درباره عالم پس از مرگ، احادیث فراوانی وارد شده که مطالب ارزنده و تأثیرگذاری در آنهاست. چون بنای این نوشتار بر اختصار است، در پایان، چند نمونه از آنها را بیان می‌کنیم تا بهره ما از احادیث معصومین علیهم‌السلام بیشتر شود:

۱.۴.۲. امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمود: «در آخرین لحظات حیات مؤمن، ثروت و فرزندان و اعمال او جلوی چشمش پدیدار می‌شود. به ثروتش می‌گوید: به خدا قسم من بسیار حریص به مال بودم؛ اکنون می‌توانی برای من کاری کنی؟ می‌گوید: کفن خود را از من بردار. به فرزندانش رو کرده و می‌گوید: من بسیار شما را دوست داشتم؛ برای من چه می‌کنید؟ می‌گویند: تا لب گور همراهت هستیم و تو را به خاک می‌سپاریم. به اعمالش رو می‌کند و می‌گوید: من به شما بسیار بی‌رغبت بودم و شما بر من سنگین بودید؛ حال برای من چه می‌کنید؟ می‌گویند:



ما در قبر و در روز قیامت، همراه تو هستیم تا تو را به محضر پروردگار ببریم...»^۱.

۲.۴.۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس از مؤمنین که در فاصله ظهر پنجشنبه تا ظهر جمعه

از دنیا برود، خداوند او را از فشار قبر مصون می‌دارد»^۲.

۳.۴.۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی کسی می‌میرد، خداوند فرشته‌ای را سراغ داغدارترین

بازماندگانش می‌فرستد. آن فرشته دست بر دل آن شخص می‌کشد و شدت اندوه را از دلش

می‌برد، و اگر چنین نبود، دنیا آباد نمی‌شد»^۳ (یعنی از الطاف خداوند به مردم این است که

به تدریج، اندوه از دست دادن عزیزان از دلشان بیرون می‌رود؛ و گرنه همیشه ماتم‌زده و

اندوهگین بودند و زندگی عادی افراد به هم می‌خورد).

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۴.

۲. همان، ص ۲۴۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۲۰.



۴.۴.۲. امام باقر علیه السلام فرمود: «روزهای جمعه به زیارت قبور بروید. هر کدام از مردگان که در تنگنا و سختی باشد، خداوند در روزهای جمعه از طلوع فجر تا طلوع خورشید به آنان وسعت می‌دهد. آنان می‌فهمند که چه کسانی به زیارت قبرهایشان می‌آیند و خوشحال می‌شوند».^۱

۵.۴.۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مردمی که تشییع جنازه می‌کنند، اگر جایگاه مردگان و حرف‌های آنان را می‌شنیدند، آنان را رها کرده، به حال خودشان می‌گریستند؛ چون روح از بالای جنازه فریاد می‌زند: ای خانواده و ای فرزندانم! دنیا با من بازی کرد، با شما بازی نکند! من اموالی را از حلال و حرام جمع کردم و برای شما گذاشتم؛ لذتش برای دیگران است و عذابش برای من. بترسید از آنچه بر سر من آمده است».^۲

۶.۴.۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «محبت من و اهل بیت من در هفت جای بسیار هولناک،

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۵۶.

۲. همان، ص ۱۶۱.



سودمند و کارساز است: هنگام مرگ، درون قبر، هنگام برپایی قیامت، هنگام گشوده شدن نامه اعمال، هنگام حساب، هنگام میزان و سنجش اعمال، و هنگام عبور از صراط»^۱.

۷.۴.۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «میت در قبر، همچون غرقی است که فریادرس می جوید و منتظر دعایی است که از سوی پدر، برادر، یا دوستش به او برسد. هرگاه دعای خیری از طرف اینان به او برسد، برایش محبوب‌تر از همه دنیا و هرچه در آن می‌باشد است. به یقین، هدیه زندگان برای مردگان، دعا و آمرزش خواهی است»^۲.

۸.۴.۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از مردگان خود جز به نیکی یاد نکنید؛ چراکه اگر آنان اهل بهشت باشند، با بدگویی از آنان، گناه کرده‌اید و اگر اهل دوزخ باشند، همان عذابی که

۱. همان، ص ۲۴۸.

۲. ملامحسن فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۸، ص ۲۹۱.



دارند، برایشان بس است».^۱

۹.۴.۲. اسحاق بن عمار گوید از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: آیا روح مرده، به دیدار خانواده‌اش می‌رود؟ فرمود: آری. عرض کردم: چند وقت یک بار؟ فرمود: «در روزهای جمعه، یا هر ماه یا هر سال، بستگی به منزلت و جایگاهش دارد.» پرسیدم: به چه شکلی نزد آنان می‌رود؟ فرمود: «به صورت پرنده‌ای سبکبال که بر دیوار خانه‌شان می‌نشیند و به آنان می‌نگرد. اگر آنان را در حال خوشی دید، خشنود می‌شود و اگر آنان را در نیازمندی و سختی دید، غمگین می‌گردد».^۲

۱۰.۴.۲. کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: برادرم در بغداد است؛ می‌ترسم آن‌جا از دنیا برود. حضرت فرمود: «غمگین مباش که کجا می‌میرد. هیچ مؤمنی در شرق یا غرب

۱. همان، ص ۲۹۳.

۲. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۵۷.



زمین از دنیا نمی‌رود، مگر آن که خداوند روح او را به وادی السلام می‌فرستد.» پرسیدم: وادی السلام کجاست؟ فرمود: «پشت کوفه. گویا ارواح مؤمنین را می‌بینم که حلقه حلقه دور هم نشسته‌اند و با هم سخن می‌گویند».^۱

مرحوم علامه مجلسی رحمته الله در جلد ششم «بحارالانوار»، پس از نقل احادیث مربوط به مرگ و قبر و برزخ، بحث‌های علمی و روایی سودمندی دارد که از گنجایش این جزوه بیرون است. خوب است که اهل تحقیق به آن مراجعه کنند.^۲

۱. همان، ص ۲۶۸.

۲. همان، از ص ۲۷۰ تا ص ۲۸۲.



سخن پایانی

عالم پس از مرگ، عالم شگفتی است؛ سرشار از عبرت و راز و پیچیدگی و سختی. رشته عمر ما روزی با تیغ مرگ بریده می‌شود؛ ولی دستاورد ما از فرصت عمر چیست؟ آیا برای روزی که با مرگ روبه‌رو می‌شویم و «سفر آخرت» آغاز می‌شود، برنامه‌ای داریم؟ آیا حیف نیست که زندگی به پایان برسد، بی آن که به «بلوغ انسانی» رسیده باشیم؟ اگر دنیا مزرعه آخرت است، آیا توانسته‌ایم در این مزرعه، بذر وجود خویش را شکوفا سازیم و به کمال برسیم؟

به یقین، با مرگ تمام نمی‌شویم؛ بلکه لباس عوض می‌کنیم و تغییر مکان می‌دهیم و وجود ما در شکل و وضعی دیگر ادامه می‌یابد و مراحل بعدی تحت تأثیر مرحله دنیوی وجود ماست. اگر مرگ، نابودی مطلق ما بود، این همه ترس نداشت. همه ترس‌ها و امیدها و نگرانی‌ها مربوط به «جهان پس از مرگ» و عالم رستاخیز است که ما نتایج اعمال دنیای خویش را به صورت بهشت یا جهنم خواهیم دید. اگر امروز روز عمل است نه حساب، فردا



روز حساب است نه عمل!

در پایان، شعر آموزنده‌ای از پروین اعتصامی که بیت اول آن را در میان بحث آوردیم و بنا بر وصیتش بر سنگ قبرش نوشته شده می‌آوریم:^۱

این که خاک سیهش بالین است	اختر چرخ ادب، پروین است
گرچه جز تلخی از ایام ندید	هر چه خواهی، سخنش شیرین است
صاحب آن همه گفتار، امروز	سائل فاتحه و یاسین است
دوستان به که ز وی یاد کنند	دل بی‌دوست، دلی غمگین است
خاک در دیده بسی جان‌فرسا است	سنگ بر سینه بسی سنگین است
ببند این بستر و عبـرت گیرد	هر که را چشم حقیقت‌بین است

۱. قبر پروین اعتصامی در یکی از حجره‌های صحن اتابکی حرم حضرت معصومه علیها السلام در قم است.



آدمی هر چه توانگر باشد
زادن و کشتن و پنهان کردن
خرم آن کس که در این محنت‌گاه
چون بدین نقطه رسد، مسکین است
دهر را رسم و ره دیرین است
خاطری را سبب تسکین است

برای مطالعه بیشتر

۱. منازل الآخره (سرنوشت انسان هنگام مرگ و بعد از آن)، حاج شیخ عباس قمی.
۲. معاد، محسن قرائتی، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت.
۳. معاد، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، دفتر دوازدهم، به کوشش محمدرضا کاشفی، قم: معارف.
۴. دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، قم: دارالحدیث.
۵. معاد، عبدالحسین دستغیب، قم: انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.

نسخه دیجیتال رهنا

مرکز پخش: مشهد مقدس، نیش ورودی باب الجواد علیه السلام

فروشگاه عرضه محصولات رضوی

تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.